

بررسی زیباشناسی در معماری

حامد ادیب زاده¹، امین مکار خالص اهر²

¹کارشناسی ارشد معماری، معماری، ایران، اهر Hamed.Adibzadeh@gmail.com

²کارشناسی ارشد معماری، معماری، ایران، اهر Mokari.amin19@gmail.com

چکیده:

به طور کلی در هنگام بحث در مورد طراحی برای زندگی انسان با هنرومفاهیم زیبا شنا سانه روبرو می شویم. بحث زیبا شناسی در معماری به مبانی کیفی و نظری در هر طراحی مربوط می شود که طراحی را بیشتر به بررسی عناصر خلق زیبایی هدایت می کند، از طرفی عوامل بسیار زیادی مانند قابلیت استفاده، ساختار، مقاومت مصالح، مسائل مالی و بلاخره ضوابط ساختمانی باعث شده است تا آزادی عمل در طراح برای خلق زیبایی تا حدودی وجود نداشته باشد. در معماری، زیباشناسی به عنوان تنها عامل که مورد توجه قرار می گیرد نمی باشد اما از اینکه نقش بسیار مهم و اصلی در طراحی معماری دارد شکی در آن نیست. زیباشناسی معماری کاری فلسفی است به این معنی که صرفاً هنری، تاریخی، روان شناختی، جامعه شناختی، و امثال آنها نیست و اگرچه از این عناصر استفاده می کند ولی باید با توسل به فلسفه گام هایی نیز بردارد. در مقاله فوق نخست در مرحله اول به تعریف زیبایی و ویژگی های آن و در مورد میزان و هدف زیبایی بحث نموده و سپس به رابطه زیبایی در معماری زیباشناسی در معماری معیارهای اصلی زیبایی در معماری و در نهایت عوامل تاثیر گذار بر زیبایی از دیدگاه معماری پرداخته است.

کلمات کلیدی: زیبایی شناسی، معماری، فلسفه، هنر

مقدمه:

اصطلاح زیبا شناسی نخستین بار توسط الکساندر بومگارتن به کار رفت تا اهمیت شناختی را که به واسطه حواس به دست می آید نشان دهد. بعد ها این واژه برای نوعی از زیبایی به ویژه معماری و هنر که از طریق حواس حاصل می شود به کار برده شد. در قرن بیستم، اندیشمندان با تصدیق ارزش هنر و معماری، تجربه زیبا شناختی را به عنوان ابزاری قدرتمند برای شناخت محیط معرفی کردند و با معنادار کردن تجربیات انسان، زمینه شناخت عینی با حمایت از تجربه حسی حرکتی و عواطف را در تربیت فراهم کردند و به دنبال این امر بودند که هنرهای زیبا و معماری نمونه های آشکاری از این تجربه اند زیرا معماری و اشیاء هنری نیرومندترین و آماده ترین منبع تجربه زیبا شناختی هستند که تمدا برای اصلاح و تشدید تجربه های دریافتی به روش های مختلف به کار می روند^۱

در این مفهوم ویژگی های زیبایی شناسی دامنه های متنوعی از حیطه ها را در بر میگیرد. سیبلی (1959) فهرستی فراهم می کند که دامنه مفوم زیبایی را نشان می دهد این دامنه شامل حیطه های هماهنگی یک ویژگی صوری است، خشم (مانند آرامش) یک ویژگی عاطفی است، و قشنگی (همانند دلپذیری) یک ویژگی صوری و ارزشی است اگر بتوان این فهرست را گسترش داد و ویژگی های دیگر آثار هنری و معماری نظیر رنگ، شکل، یا دوام را کنار گذاشت، میتوان ویژگی های زیبا شناسی را از دیگر ویژگی ها متمایز ساخت^۲

2- روش تحقیق:

روشی که در این تحقیق مورد استفاده قرار داده شده روش کتابخانه ای میباشد - روش های کتابخانه ای: بسته به نوع سند و موضوع تحقیق ممکن است با استفاده از فیش یا جدول یا فرم های شبه پرسشنامه یا ترکیبی از همه آنها انجام پذیرد.

در تحقیقاتی که ماهیت کتابخانه ای دارند تقریباً تمام تلاش محقق در کتابخانه ها صورت می پذیرد. حتی در تالیفات و تصنیفات نیز از این روش استفاده می شود. گام اول در مهارت تحقیق کتابخانه ای آشنایی با نحوه استفاده از کتابخانه است. برای اینکار محقق باید از روش های کتابداری نحوه استفاده از برگه دان و ثبت مشخصات کتاب، نحوه جستجوی کتاب در کتابخانه و رایانه و ... اطلاع حاصل نماید. نکته دوم شیوه جستجوی کتاب یا منبع مورد نیاز در کتابخانه است. برای این کار معمولاً کتابخانه ها، برگه دان ها یا کارت های ویژه ای در اختیار دارند که به سه شکل تنظیم شده است: بر اساس عنوان کتاب، بر اساس موضوع، بر اساس نام مولف.

در کتابخانه ها به طور کلی دو دسته منبع وجود دارد: اول، منابعی که به امانت داده می شود. دوم، منابعی که به امانت داده نمی شود مثل فرهنگ ها، کتاب های مرجع، اطلس ها، مجلات و ... کتابخانه ها از حیث دسترسی به منابع به سه گروه تقسیم می شوند: گروه اول، کتابخانه های باز که در آنها محقق می تواند آزادانه بین قفسه ها رفت آمد کند. گروه دوم، کتابخانه های بسته که در آنها محقق امکان دسترسی به منابع را به طور مستقیم ندارد. گروه سوم، کتابخانه های نیمه باز که بخشی از آن مستقیماً در دسترس محقق و بخشی دیگر از آن در اختیار کتابدار است

3- زیبایی چیست :

زیبایی نمودی از پدیده است که پس از ادراک توسط حواس و انتقال به مرکز اندیشه یا مشاهده ادراک کننده، واکنش هایی مبتنی بر تجربه های اندوخته شده را در مخاطب بر می انگیزد. در چیستایی زیبایی گروتو چنین بیان میکند که انسان در مواجهه با یک چشم پدیده، پیام هایی را از آن دریافت می دارد که احساسات درونی او را تحت تاثیر قرار

¹ (گرانکر، 2006، ص 94)

² (گلدمن، 1388، ص 94).

داده و ماهیت آن پدیده را در ذهن او شکل میدهد. وقتی زیبا شناختی یک پیام به حد مشخصی برسد، فرد جسمی را که پیام را از آن دریافت نموده، زیبا تشخیص می دهد. این حد خاص مقداری از اطلاعات می باشد که گیرنده را وادار به تشکیل طرح واره نموده و از این طریق ارتقای، سطح ادراکش را به سطحی بالاتر از سطوح ادراکی می رساند و به عکس نیز می توان گفت که یک چیز زیبا ادراکی غنی را برای ما ممکن می سازد و این باعث رضایت ما می شود. پرسش از حقیقت زیبایی، چگونگی ادراک آن، سرچشمه ها و تاثیرات آن بر انسان در طول تاریخ اندیشه بشر همواره مطرح بوده است. مکتب های گوناگون هر کدام بر پایه شناخت شناسی و جهان بینی خود پاسخ های به این پرسش ها داده اند. از کهن ترین دیدگاه ها درباره زیبایی دیدگاه اندیشمندان یونان باستان است بحث مدون از زیبایی در یونان باستان از فیثاغورس آغاز شد³

1-3- تعریف زیبایی از دیدگاه افلاطون:

افلاطون زیبایی را نمود یک حقیقت مطلق می دانست که در این جهان پایدار می شود بر پایه نظریه او اصل و حقیقت آنچه در این جهان پدیدار است در یک جهان دیگر وجود دارد و پدیده های این جهان سایه و بازتاب آن حقیقت ازلی هستند. او این حقیقت را ایده می نامید که در فلسفه اسلامی به مثال ترجمه شده است.

2-3- تعریف زیبایی از دیدگاه ارسطو:

از دید ارسطو زیبایی، دستاورد هماهنگ، و تناسب و سازواری اجزاء در یک سامانه هوشمند (سیستم) شمرده می شود که در آن همه اجزاء لزوما وحدت یافته هستند. زیبایی طبیعت که چنین است. شرط ربا شدن یک پدیده دست ساخت بشر و فرآورده های هنری نیز همین هماهنگی و تناسب می باشد.

3-3- تعریف زیبایی از دیدگاه کانت:

از دیدگاه کانت زیبایی اساسا امری ذهنی است و به تصور و پندار ذهن درک کننده زیبایی مربوط می شود کانت هر چیزی را که بتواند در کسی لذت پدید آورد زیبا می داند. زیبایی هدفی است که خودش فرجام خود است. گونه ای هماهنگی و نظم است که به هیچ کاری نمی آید جز به جلب توجه به نظم خود.

4-3- تعریف زیبای از دیدگاه هگل:

هگل دریافت و ادراک زیبایی را امری کاملا وابسته به ذهن، آنگونه که کانت میگفت نمی شمرد، بلکه آن را به ویژگی خاص هماهنگی اجزاء طبیعت و یگانگی ساختاری آن وابسته می داند. که توسط ذهن دریافت و درک شده است. پس از دید او زیبایی امری عینی است. با این همه زیبایی ذهنی که دستاورد کار ذهن است به مراتب در چشم او والاتر شمرده می شود و دریافت اینگونه زیبایی البته کار ذهن است⁴

4- زیبا شناسی:

زیبایی شناسی (به آلمانی: sthetik؛ انگلیسی: aesthetics) یکی از رشته های پنج گانه، کلاسیک فلسفه است (در کنار شناخت شناسی، منطق، اخلاق و متافیزیک)

زیبایی شناسی شاخه ای از فلسفه در ارتباط با ماهیت و نحوه ادراک زیبایی و نازیبایی می باشد. اصطلاح زیبایی شناسی (Aesthetic) در سال 1753 توسط فیلسوف آلمانی الکساندر باوم گارتن (Alexander Baumgarten) ابداع شد، اما در اصل ماهیت زیبایی طی قرن های متمادی توسط فلاسفه و اندیشمندان مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است. واژه استتیک از لحاظ ریشه لغوی به معنای تحقیق در ماهیت درک حسی است.

³ (دوران، 1378، 219)

⁴ مبانی نظری معماری: عبدالحمید نقره کار، (نشر تهران دانشگاه پیام نور، 1389 ص 45)

زیبایی شناسی در گذشته موضوعی صرفاً فلسفی به شمار می رفت، اما از قرن نوزدهم هنرمندان نیز دیدگاه هایشان را در این مورد ابراز نموده و آن را وارد مباحث هنری کرده اند. حتی در دوران اخیر اغلب این واژه را با فلسفه هنر برابر دانسته اند. از این رو می توان گفت مخاطبین مباحث زیبایی شناسی دو گروه عمده فلاسفه و هنرمندان هستند. البته حوزه معنایی زیبایی شناسی بسیار وسیع است و علاوه بر هنرهای پدید آمده به دست انسان، تجارب زیبایی شناسانه طبیعی را هم در بر می گیرد.

5- میزان زیبایی:

(میزان زیبایی) احساس لذتی در ادراک کننده که بر اثر تمایل به تکرار تجربه فردی در عالمه مشاهده درونی حاصل می شود، این تمایل نیز بر اثر کسب تجربه در هر زمینه در انسان تکوین می یابد.⁵

بر میزان زیبایی می توان مراتب کمیت و کیفیت نیز متصور شد که از این بستر کیفیت هنری آن معیارهای ارزیابی را در بر می گیرد که بر چونی و چگونگی زیبا شناسختی می پردازد و کمیت هنری به معیارهایی اشاره می کند که بر چندی و اندازه زیبایی، سوی نظر دارد. تلاشهای اساسی برای تبیین و تعیین کمی زیبایی در تاریخ هنر و معماری صورت گرفته است که زیبایی را با استفاده از معیار و فورمول ریاضی بیان می کند.⁶

6- هدف زیبایی:

پاسخ به این سوال از دودیدگاه در تاریخ معماری قابل بیان است :

1-6- دیدگاه فلسفی-روان شناختی :

در دیدگاه روان شناختی نظرات فیلسوفان متغییر و متفاوت است که تغییر و تهدید را در حوزه زیبا شناسی به همراه دارد.

2-6- دیدگاه نظریه اطلاعات-ارتباطات :

در دیدگاه نظریه اطلاعات بایستی محتوای زیبا شناسی از حداکثر دریافت ذهنی، 16 بیت در ثانیه کمی بیشتر باشد. اطلاعات (سمبایک) ذهن را مشغول می دارد و اطلاعات (زیباشناسی) عواطف را مخاطب قرار می دهد. نکته قابل تامل در این است که ظهور معیارهای زیبایی شناسانه و اساسی را می توان تنها در انگاره معمار، آن هم در حد بسنده جستجو کرد. که از احساس تهییج درونی بهره می گیرد که تنها نمودی درون ذات، برای معمار و طراح بحساب می آید و تعمیم آن در مقیاس معیارپذیری یا معیار سازی در زیباشناخت و اساسی تا حدودی متناقض و یا حتی ناشدنی می نماید. و بر این اساس به گونه ای تناقض، زیبا شناختی در آثار معماران به و اساسی دچار میگردد.

از گفته افلاطون درباره ویژگی بنیادی زیبایی یعنی (حقیقت) شاید بتوان این گونه برداشت کرد که زیبایی از دید او هدفمند است و اگر کسی نداند که هدف آفریننده زیبایی چه بوده نمی تواند درباره درستی آن هم داوری کند غایت زیبایی از دید او رسیدن به کمال مطلق است آدمی با آفرینش زیبایی در واقع از آن به زیبایی مطلق یاد می کند و فریفته جمال می شود.⁷

کانت چون زیبایی را اساساً امری ذهنی می داند و آن را وابسته به ذهن درک کنند آن می شمرد طبعاً هیچ هدف ویژه ای که همگانی باشد برای آن قائل نیست بویژه آنکه او ویژگی اساسی زیبایی را لذت بخش بودن میدانند کانت بی هدف بودن و رهایی از بهره و سود را از ویژگی ها اساسی چیز زیبا می انگارد. هنگامی که کانت میگوید چیز زیبا متعلق یک رضایت بی غرض و علاقه است مقصودش این است که همگان از آن رضایت دارند یا باید داشته باشند.⁸

⁵ نیوتن، 1366، ص 276)

⁶ (گروت، 1375)

⁷ (فروغی، 1339، ص 49)

⁸ مبانی نظری معماری: عبدالحمید نقره کار، (نشر تهران دانشگاه پیام نور، 1389 ص 47)

7- رابطه زیبایی در معماری :

چگونگی نگرش ما به زیبایی به گونه ای سرراست و روشن در آفرینش اثر هنری و معماری تاثیرگذار است. هنر، آفرینش زیبایی است و شاید بتوان گفت ارجمندترین شان اثر هنری معماری، وجه هنری آن است از این رو باید پذیرفت نیاز به روشن کردن شئون زیبایی برای ارزیابی دیدگاه ها و نیز بررسی و تحلیل آثار معماری امری آشکار است. باید توجه داشت که زیبایی شناسی نمودار و برآمده از ارزش های فرهنگی، و نشانگر سمت و سوی دگرگونی های فرهنگی و اجتماعی است و با مطالعه آن میتوان سیر فرهنگی جامعه را ارزیابی کرد. زیباشناسی به گونه ای سرراست و بی نیاز به آموزش، تنها با تکرار و عادت دادن، گونه ای نگاه و لذت بردن از زندگی را برای انسان ها تعریف کرده و آنها را با یک جهان بینی خاص وابسته به خود تربیت میکند پس اگر ارزش های زیبایی شناسانه دچار بحران شود کم کم همه ابعاد جامعه و ایران از رویکرد های زیبایی شناسانه چیره بر سبک ها و ذهن معماران سرچشمه میگیرد. شاید میان زیبایی شناسی و مبانی بینشی و ارزشی آن رابطه سامانه ای وجود دارد و نمیتوان یک گونه زیبا شناسی را در فرهنگی جدا از مبانی فرهنگی آن به کار گرفت در عین حال باید توجه داشت که هم در حوزه معماری و هم در حوزه اندیشه باید دو سطح عمودی و تخصصی را از هم جدا نمود.⁹

8- زیباشناسی در معماری :

8-1- زیبایی در معماری را میتوان با بیان نظریات برخی از معماران برجسته به صورت زیر مطرح نمود

لفون باتیستا آلبرتی میگوید زیبایی هم خوانی قانونمند بین اجزاء است طوری که نتوانیم چیزی به آن بیافزاییم یا کم کنیم یا چیزی را در آن تغییر دهیم بدون اینکه خوشایندی آن بکاهیم. آندره پلادیو نیز نظرش را بر پایه ی نظر ویتروویوس و آلبرتی قرار داده و چنین بیان میکند که (زیبایی به همراه ایستایی و کارایی سه اصلی میگردد که یک بنا را قابل ستایش میکند. سرچشمه زیبایی، وجود فرم های قشنگی است که در هماهنگی با فرم کلی قرار دارند و هماهنگی بین اجزاء از طرفی و اجزاء با کل از طرف دیگر باعث میگردد که که ساختمان چون پیکری واحد و کامل به نظر آید.

2-7: ادراک زیبایی پدیده ای چند بعدی است که میتواند حواس درونی، بیرونی، تعقل، شهود ما را به فعالیت وا دارد مطالعات نشان می دهد که :

1- ادراک زیبایی پدیده ایست چند بعدی

2- کیفیت سمبلیک محیط، مهمترین عامل در ادراک زیبایی می باشد

3- ارتباطی درونی و ذاتی بین زیبایی فرمان و سمبلیک وجود دارد.

با توجه به اینکه ادراک زیبایی مهمترین حس در زمینه معماری است می توان به بررسی دوتای نوع زیبایی فرمان و سمبلیک در این ارتباط بسنده کرد که به صورت زیر بیان می شود:

7-2-1: زیبایی فرمان (زیبایی فیزیکی مجرد)

1- مضمون یا وحدت : یکپارچگی و قوام یافتگی، نداشتن جز زائد، فراز و فرود، پیچیدگی صوری

2- تغییر مضمون : ورود عناصر تازه (تنوع)، تدرج

3- توازن و تعادل: نظم، قابل فهم بودن

4- تکامل اجرا از نظر زمان : حرکت، جلوگیری از یکنواختی

5- امساک : صرفه جویی در جلب توجه، جلوگیری از شلوغی

2-2-7: زیبایی سمبلیک (زیبایی فیزیکی آمیخته با مفاهیم)

⁹ مبانی نظری معماری: عبدالحمید نقره کار، (نشر تهران دانشگاه پیام نور، 1389ص49)

- 1- سمبل های طبیعی = معانی رمزی اعداد و اشکال هندسی = ادراک بر اساس سوابق تاریخی فرهنگی و اجتماعی.
 2- سمبل های متعارف = قومی، فرهنگی یا اجتماعی = ادراک بر اساس سوابق تاریخی

9- معیار های اصلی زیبایی در معماری :

فرم و صورت : که به دو صورت مورد بحث قرار می گیرد

1- فرم با قاعده که تابع قوانین هندسی و ساختارمند می باشد.

2- فرم بی قاعده که فرم ها فاقد ساختار مشخص و غیر قابل پیش بینی می باشد.

رنگ: تاثیرات رنگ بر ناظرین تابع سه عامل است

1- مکانی که رنگ در آن مورد استفاده قرار گرفته است. 2- فرهنگ 3- عوامل اجتماعی و روانی.

رنگها دارای وزن ادراکی میباشند که به صورت زیر بیان میشود.

رنگ روشن = سبکتر رنگ تیره = سنگین تر رنگ گرم = فضای بسته رنگ سرد = فضای باز

9-1- علائم و نمادها

(ارجحیت محتوا بر فرم): یعنی معنای نهفته در بطن فرم ها و رنگ هاست محتوای معنوی یک نماد را می توان در معماری به شکل مختلف بیان کرد، توجه به رنگ ها ، توجه به نوع مصالح مورد استفاده در بنا ، نور پردازی.

9-2- تزئین :

یک رکن اصلی مهم در معماری که بیشتر بعد ظاهری دارد تا معنایی و شاید اصلا از بعد معنایی برخوردار نباشد و تاکید بر فرم است.

10- عوامل تاثیر گذار بر زیبایی از دیدگاه معماری:

10-1- محیط ، مکان و زیبایی :

بین هر موجود زنده و پیرامون او روابطی وجود دارد که مادرزائی شکل نگرفته اند . این روابط بیشتر اکتسابی هستند به این معنی که انسان بایستی در ارتباط با محیط خود مفهوم اشیاء را یاد بگیرد، این شناخت به ما قدرت کنترل محیط خود را می دهد حتی بدون آنکه در هر لحظه همه چیز مستقیما در معرض ادراک ما باشد .

ماریو بوتو، ارتباط بین ساختمان باید پیرامون خود را چنین شرح می دهد هر اثر معماری دارای محیط ویژه مربوط به خود است به بیانی ساده تر پیرامون این محیط ویژه را می توان بستر ساختمان نامید ارتباط بین معماری و بستر آن ارتباطی نقش گرفته از یک تاثیر پذیری متقابل است . می توان گفت این بستر و معماری آن در تماس دو جانبه و همیشگی هستند و همواره با هم در ارتباطند.¹⁰

10-2- فضا و زیبایی :

فضا چیزی نیست که تعریف دقیق و مشخصی داشته باشد ولی با این حال قابل اندازه گیری است ارسطو فضا را با ظرف قیاس میکند و آن را جایی خالی میداند که بایستی پیرامون آن باشد تا بتواند وجود داشته باشد و در نتیجه همواره برای آن نهایتی وجود دارد.

10-3- فرم و زیبایی:

زیبا شناسی فرم یا صورت تظاهر حسی و واضح یک شی است و این بیانی است که خود را در معرض قضاوت قرار می دهد. لوئی کان می گوید : (صورت با شکل یکی نیست شکل به طرح مربوط است اما صورت به نمایش گذاشتن اجزاء جدایی ناپذیر می پردازد.) فرم به گونه ای انتخاب می شود که با محتوا و ایده طرح تطابق داشته باشد براین اساس شکل پذیری صورت با توجه به فرم وابسته عوامل گوناگون است به عنوان مثال ، فرم یک گشودگی در یک دیوار

¹⁰ (ماریو بوتو la signification envir onnement et nature سخنرانی در لاساراز، 1978، ص36)

بایستی تابع جنس و ساخت دیوار نیز باشد. گشودگی در یک دیوار آجری احتیاج به قوس دارد. به قول آدرنو: (میزان موفقیت زیبا شناختی تابعی است از میزان موفقیت فرم در انتقال محتوا).

4-10- هماهنگی و زیبایی:

هماهنگی اصطلاحی است که در اغلب علوم طبیعی و عقلی از آن صحبت می شود. در زیبایی شناسی منظور از هماهنگی یا هارمونی، نظمی است که بین اجزاء تشکیل دهنده یک پدیده وجود دارد در اساطیر یونان باستان هامونا (harmonia) دختر ارس (ares) خدای جنگ و آخرودیت و یکی از ارکان اصلی زیبا شناسی معماری است و حوزه عمل آن به هیچ وجه محدود به ابعاد فضا نمی شود. هماهنگی در ادراک بصری جدای از تعادل بصری نیست. سیستمهای ادراک فیزیکی و روان شناختی همگی تمایل دارند تا به وضعی برسند که در آن میزان تنش به حداقل ممکن رسیده باشد.

5-10- علائم و زیبایی:

به عنوان مثال در وحله اول بعد ظاهری دایره می تواند قسمتی از یک نقش باشد و در مثال جزئی است از یک رشته تزئینی و فاقد هر نوع محتوای سمانتیک. هر فرم دارای تحرکی خاص آن فرم می باشد. دایره فرمی است فاقد جهت، خطوط ساختار دایره به صورت شعاعی از مرکز دایره به طرف محیط آن و بالعکس از محیط به مرکز هستند. این صفات به دایره قدرت بیانی می دهند که آثار آن را در استفاده از آن در معماری می توان دید این اولین جنبه بررسی معنایی فرم دایره می باشد. استفاده از این فرم در معماری دارای اعتبار جهانی است این معنی شامل صفاتی است که بدون شناخت قبلی یا دانش خاص نیز قابل درک است در اینجا نوع فرم است که تابع (محتوای معنایی) شده است. و این به این معنی است که فرم دایره عرضه کننده و بیانگر معنویت است.

11- نتیجه گیری:

ارتقاء مهارت های زیبایی شناسانه و افزایش درک هنری از موضوعات مهم و راهبردی در معماری محسوب می شود. زیبایی به عنوان یکی از معیارهای پذیرفته شده برای ارزش سنجی کالبدی در معماری مطرح می باشد و عوامل موثر بر آن تناسب، فرم و مدولار می باشد که دارای تعاریفی است که اصول زیباشناسی معماری را تشکیل می دهد که به طور خلاصه در مقاله فوق به آن پرداخته شده است.

فرم و شکل گستره وسیعی است که معماری در بستر آن می تواند کیفیت گوناگون زیبایی شناختی را دارا باشد. زیبایی شناختی معماری در تلاش برای شکوفائی است معمار در بازی با اشکال نظمی را بوجود می آورد و به کمک فرم ها به طور مدارم در صدد برانگیختن احساس انسان است اما از طرفی محدودیتهای زیادی نیز وجود دارد که آزادی عمل معمار محدود می باشد که در این محدوده تنگ مسئولیت مهم زیباسازی را نیز دارد. به طور کلی او قصد دارد چیزی زیبا بیافریند یا نوعی معماری خوب عرضه کند که منظور از خوب یعنی همه احتیاجات انسان را به طور کامل برطرف سازد و هم از نظر زیبا شناختی جوابگو باشد.



منابع و ماخذ:

- [1] زیبایی شناسی در معماری - یورک کورت گروتز، ترجمه دکتر جهانشاه پاکزاد، مهندس عبدالرضا همایون، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی 1386
- [2] مبانی نظری معماری، عبدالحمید نقره کار، نشر تهران دانشگاه پیام نور
- [3] مقاله الگوی زیبا شناسی در معماری بر اساس دیدگاه اندیشمندان اسلامی، شقایق قائمی فر
- [4] نگاهی به مفهوم زیباشناسی، دکتر جواد یوسفیان
- [5] تحلیلی بر مولفه زیبایی شناختی در معماری فضاهای آموزشی با توجه به رویکرد اسلامی، آمنه بختیار نصر آبادی، دکتر حسنعلی بختیار نصر آبادی، دکتر مریم انصاری
- [6] هولگیت، استیون، زیبا شناسی هگل، ترجمه گلنار نریمانی، انتشارات ققنوس، تهران 1393.
- [7] مک مان، جنیفر آن، (زیبایی)، ترجمه گروه مترجمان، 1386، دانشنامه زیبایی شناسی، فرهنگستان هنر، چاپ سوم: 1386.
- [8] آیوازبان، سیمون، 1381؛ زیبایی اسی و خواستگاه آن در نقد معماری؛ فصلنامه هنرهای زیبا؛ شماره 18؛ زمستان 1381.
- [9] سعیدی کیا، ندا (1391) جستاری بر مفاهیم زیبایی شناسی معماری در سنت و مدرنیته، اولین همایش ملی اندیشه ها و فناوری های نو در معماری، تبریز
- [10] فهیمی فر، علی اصغر (1386) جستارها: تفاوت آراء افلاطون و ارسطو در زیباشناختی و هنر. نشریه زیبا شناخت، شماره ۱۶.
- [11]- Groat, Linda & Wang, David (2002) *Architectural Research Methods*, John Wily & Sons Publication, 2002.